

حجاب و تکامل اجتماعی

علی رضا پیروزمند
شیده صادقی



دائرة سارست کزاري و برنامدرزي
فرهنگي و ايجامي
وزارت علوم، تحقيقات و فناوري



مؤسسه مطالعات فرهنگي و ايجامي
وزارت علوم، تحقيقات و فناوري



حجاب و تکامل اجتماعی

علی‌رضا پیروزمند و شیده صادقی

ناشر: مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی با همکاری معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم

ویراستار: فرهاد سلیمان نژاد

طراح جلد و صفحه‌آرا: علی قربی

چاپ اول: بهار ۱۴۰۲

شمارگان: ۴۰۰

قیمت: ۹۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۶-۱۵۵-۹

(الف)

این اثر به سفارش معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تهیه شده است.

تلفن: ۲۲۵۷۰۷۷۷

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید مؤمن نژاد (گلستان یکم)، شماره ۱۲۴.

وبسایت: www.iscs.ac.ir

پست الکترونیکی: publication@iscs.ac.ir

کلیه آثار منتشره این مؤسسه در جهت ایجاد فضای آزاد علمی و نظر شخصی نویسندگان محترم آن است و لزوماً مورد تأیید مؤسسه نیست.

سرشناسه: پیروزمند، علی‌رضا، ۱۳۴۴ -

عنوان و نام پدیدآور: حجاب و تکامل اجتماعی / علی‌رضا پیروزمند، شیده صادقی؛ ویراستار فرهاد سلیمان نژاد؛ [برای] دفتر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص.؛ جلد، نمودار؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۶-۱۵۵-۹

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: حجاب -- جنبه‌های اجتماعی؛ Social aspects -- Hijab (Islamic clothing)

موضوع: تکامل اجتماعی؛ Social evolution

شناسه افزوده: صادقی، شیده، ۱۳۵۰ -

شناسه افزوده: مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

رده‌بندی کنگره: HQ ۱۱۷۰

رده‌بندی دیویی: ۳۰۵/۴۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۱۶۹۵۲

اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیا

فهرست

۷ دیپاچه مؤسسه
۱۱ مقدمه
۱۷ فصل اول: دیدگاه‌های اصلی در تبیین توسعه و تکامل اجتماعی
۸۱ فصل دوم: منزلت زن در توسعه و پیشرفت غربی
۱۲۷ فصل سوم: منزلت زن در پیشرفت اسلامی
۱۵۵ فصل چهارم: عفاف و حجاب
۱۷۵ فصل پنجم: راهبردها
۱۹۳ منابع
۲۰۱ ضمیمه
۲۰۹ نمایه

مقدمه

جامعه اسلامی ایران با اهتزاز پرچم اسلام و سردادن شعار توحید و تمدن اسلامی، در مرحله گذار به سوی نظام ولایت الهیه در شکل کامل تر آن است. این جامعه، همچون دیگر جوامع، با مسائل مهم فرهنگی، اقتصادی و سیاسی روبه‌رو است که باید با هماهنگی کردن این امور با یکدیگر و شکل دادن آن‌ها براساس اصول و ارزش‌های الهی، یک جامعه نوین و نمونه دینی ساخت و الگویی از کارآمدی دین در اداره تمام امور زندگی بشری را به دنیا ارائه نمود.

امروزه، در میان مسائل عمده فرهنگی دنیا، مسئله زنان موضوعی با اهمیت است که سال‌ها است سردمداران جهانی به آن توجه دارند و دست‌مایه‌ای برای تهاجم فرهنگی استکبار علیه دیگر جوامع، به ویژه جوامع اسلامی، شده است. نظام نوپای جمهوری اسلامی، به دلیل اصول‌گرایی و طرح شعارهای بنیادگرایانه، بیش از پیش در معرض این تهاجم‌ها بوده است. نمود بارزی از آن در استفاده ابزاری از زن در لوای شعار «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱ قابل مشاهده بود که پیامدهایی نیز در مسئله حجاب پیدا کرد.

البته، سال‌ها است که متصدیان نظام به این موضوعات توجه ویژه‌ای دارند، ولی به دلایل گوناگون، هنوز الگوی عملی و جامع زن مسلمان متناسب با شرایط امروز دنیا ارائه نشده، مورد توافق قرار نگرفته، و شرایط تحقق آن نیز به اندازه کافی فراهم نشده است.

معمولاً پس از روبه‌رو شدن با مشکلات فرهنگی - اجتماعی در حیطهٔ زنان، تصمیم‌هایی تدافعی، منفعلانه، ناهماهنگ، و یا کوتاه‌مدت گرفته شده است. نتیجهٔ چنین عملکردی کم‌رنگ شدن نگاه جامعهٔ زنان نسبت به اهمیت نقش و جایگاه خود در سطح «اقامهٔ کلمهٔ توحید در دنیا با شکل‌گیری تمدن اسلامی» بوده است.

نقش زن در این سطح، تأثیر توسعه‌ای و تکاملی او به حساب می‌آید؛ به این معنا که اگر زن همهٔ امور خود را در جهت گسترش توحید تنظیم کند و نظام اسلامی را به‌منزلهٔ دستگاه نشر توحید بداند و رهبری آن را رسانای صدای اسلام به جهان قلمداد کند، همهٔ تلاش خود را برای تقویت این ندای الهی خواهد کرد تا بتواند این پیام تاریخی را در عمل به گوش جهانیان برساند. حضور زن در این سطح، حضور در سطح «پیشرفت و تکامل اجتماعی» تلقی می‌شود. (البته، با مفهومی که از پیشرفت و توسعه مورد نظر است، که در ادامهٔ نوشتار به آن اشاره خواهد شد).

در این میان، مسئلهٔ پوشش زنان و بدحجابی یا بدپوششی ایشان، به دلیل نمود بیرونی گستردهٔ آن، بازتاب بیشتری یافته و رفته‌رفته به دلیل پیامدهای منفی بسیار، به معضلی فرهنگی - اجتماعی بدل شده است. اندیشمندان و مبلغان جامعه، در برخورد با مسئلهٔ حجاب، توجه خود را بیش از هر چیز به جنبهٔ تهذیب فردی و خانوادگی آن مبذول داشته‌اند، اما در این میان، «بسط ولایت الهی در شکل اجتماعی آن»، که اصلی‌ترین هدف نظام اسلامی است، در این موضوع کمتر دیده شده است؛ گرچه در مواردی با سیاسی و ملی دانستن حجاب زنان، آن را به دیدهٔ امری ضداستعماری نگریسته و بُعد سیاسی حجاب را نیز پررنگ کرده‌اند.

در حقیقت، می‌توان گفت توجه به حجاب در حیطهٔ ارتباطات اجتماعی خُرد، یعنی وضعیت شخص در ارتباط اجتماعی (تأمین سیاسی، فرهنگی و اقتصادی فرد در ارتباط با جامعه)، معطوف است و کمتر به‌عنوان یک امر کلی و

کلان جامعه بدان نگریسته شده و حضور این موضوع کلان در امر بزرگ‌تر جامعه، یعنی «تکامل و پیشرفت»، کمتر مورد توجه بوده است.

بر این اساس، در این نوشتار کوشیده‌ایم به موضوع حجاب از زاویه رابطه آن با «پیشرفت و تکامل اجتماعی» بنگریم. چنین رابطه‌ای در سه سطح قابل طرح و بررسی است:

- سطح اول، احکام توصیفی یا جهان‌بینی: طبیعتاً اولین قسمت عبارت از نظام احکام ارزشی یا اخلاق آرمانی یا مقاصد عالیة الهی در امرحجاب است. این قسمت مربوط به بررسی روایات و مدارک و منابع الهی و سیره و تاریخ معصومین است که از موضوع تحقیق حاضر خارج است.
- سطح دوم، نظام احکام دستوری و احکام کلی الهی و قوانین فقه و حد و جوب و استحباب و کراهت و حرمت و غیره: این سطح نیز، با وجود اهمیت، در بررسی فعلی نمی‌گنجد.
- سطح سوم، نظام احکام اجتماعی و برنامه کلان اجرایی گسترش حجاب و عفاف در مسیر تکامل اجتماعی.

گرچه احکام اجتماعی از دو قسمت قبل جدا نیست، ولی این احکام باید با ملاحظه عینیت، موانع و مقدورات را ببیند و اموری را لحاظ کند که در اجرا ضروری است. البته، این موضوع در جای خود نیازمند پژوهش‌های گسترده‌تر و معرفی الگوی مناسب در قالب پروژه‌های تحقیقاتی است. از این رو، در این مجال به قدر بضاعت بدان پرداخته می‌شود.

از بهترین شواهد در مشاهده سطح بررسی‌ها در پیشینه موضوع، ملاحظه منشورهای همایش ملی «حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی» است که به کوشش پژوهشکده فقه و حقوق دفتر تبلیغات اسلامی برگزار شد و در نوع خود مفصل‌ترین و علمی‌ترین همایش در موضوع حجاب بود که با حضور علمی اندیشمندان برجسته کشور و برخی مسئولان و محققان روبه‌رو شد. محصول علمی

این همایش در سه مجلد در ۱۸۰۰ صفحه در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسید. با ملاحظهٔ اجمالی مجموعه مقالات، گفت‌وگوها و دیدارها، حلقهٔ مفقوده‌هایی در ریشه‌یابی مسئلهٔ حجاب آشکار می‌شود. گرچه در اندک مواردی اشاره‌ای به موضوع مورد نظر شده، اما در جمع‌بندی نگاه مسئولان و اندیشمندان، بی‌توجهی یا کم‌توجهی به اصلی‌ترین ریشهٔ بدحجابی را می‌توان مشاهده نمود. در پژوهش‌هایی که در سال‌های بعد به انجام رسیده است، این بی‌توجهی یا کم‌توجهی غالب است. همچنین، ملاحظهٔ مهم‌ترین و آخرین سند تدوین شده در موضوع حجاب و قوانین مصوب آن در شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوب ۱۳ دی ۱۳۸۴ و طرح موردانتظار در تصویب‌خواهی مجلس شورای اسلامی، سال ۱۴۰۲، ضعف در ریشه‌یابی و سیاست‌گذاری‌ها را به‌خوبی نمایان می‌سازد.

در این اثر می‌خواهیم به پاسخ این پرسش برسیم که: چه رابطه‌ای بین «حجاب و عفاف» و مدل‌ها و برنامه‌های توسعه و یا به‌تعبیری «الگوی پیشرفت» وجود دارد؟

برای پاسخ سؤال اصلی، لازم است به چند سؤال فرعی پاسخ داده شود:

- رابطهٔ حجاب با باورها و انگیزه‌های فرد و میزان آگاهی و شناخت او چیست؟

- چه رابطه‌ای بین «حجاب» با «منزلت اجتماعی زن» وجود دارد؟

- چه رابطه‌ای بین «منزلت اجتماعی زن» با «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» وجود دارد؟

- مناسب‌ترین رویکرد راهبردی در بهبود حجاب و عفاف کدام است؟

این تحقیق، از نظر نوع، توسعه‌ای است. تحقیق توسعه‌ای در حد فاصل بین تحقیق بنیادی و کاربردی حرکت می‌کند. تحقیق بنیادی صرفاً به دنبال تحول در ریشه‌ها و مسائل اساسی علم است، برخلاف تحقیق کاربردی که بر حل و فصل مسائل مصداقی و معین با بررسی خود پدیده متمرکز است.

موضوع تحقیق حاضر پدیده حجاب است که موضوعی مصداقی است، اما نوع بررسی آن به شکل جزئی و خرد نیست تا نوع تحقیق کاربردی شود، بلکه به لایه‌های مؤثر اما ابتدائاً ناپیدای موضوع توجه می‌نماید. از این رو، تحلیل حجاب را تا سطح بررسی الگوهای توسعه غربی پیش می‌برد و به موضوع حجاب بازمی‌گردد.

همچنین، از نظر استراتژی تحقیق، مجموعه‌نگر تکاملی (سیستمی پویا) است نه صرفاً قیاسی و نه استقرایی؛ یعنی تحلیل پدیده حجاب و عوامل مؤثر بر آن را از طریق مشاهده تجربی و میدانی انجام نمی‌دهد، صرفاً با نوعی حرکت از کلی به جزئی نیز مواجه نیست بلکه با ملاحظه فریندی و کل‌گرایانه، تأثیر تغییر الگوی توسعه (یا پیشرفت به اصطلاح اسلامی) را در تعیین منزلت زن در جامعه، سپس در الگوی عفاف، و بالأخره در موضوع حجاب مورد بررسی قرار می‌دهد. از این رو، روش استنتاج، همانند روش قیاسی، از بالا به پایین است اما صرفاً اندراج جزئی در کل نیست. این شیوه امکان استنتاج منطقی را، البته به کمک داده‌های علمی، فراهم می‌آورد.

در شیوه گردآوری اطلاعات، از روش تحقیق کتابخانه‌ای استفاده نموده و با رعایت تنوع و روزآوری منابع، به اشباع نظری رسیده است.

در تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز، از «روش تحقیق تکاملی» در تحلیل محتوای کیفی بهره برده است، اما نه از طریق کدگذاری باز، انتخابی و محوری، بلکه از طریق «نقد، نقض و طرح».

در مرحله «نقد»، آثار نظریه رقیب بررسی شده و نشان داده شده است که مثلاً الگوی نوسازی در توسعه، به اهداف مورد ادعای خود دست نیافته است. در مرحله «نقض»، ناکارآمدی‌های عینی به نارسایی مبنایی ارتباط داده شده است؛ مثلاً این که ناکارآمدی الگوهای توسعه غربی در هویت‌بخشی به زنان به چه دلیل ریشه در مبانی و اصول لیبرال‌دمکراسی دارد. در مرحله «طرح»، تلاش شده است براساس مبانی و اصول اندیشه اسلامی، نظریه و تحلیل متفاوتی از پدیده حجاب یا بدحجابی ارائه شود.

به نظر می‌رسد در جامعه ایران مدل‌های توسعه اجتماعی برگرفته از مدل‌های توسعه غربی و یا تقاطعی از مدل‌های مختلف غربی و برخی تفکرات دینی است، که در هر دو حالت، جریان اصیل مکتب اسلام در همه زوایای جامعه حاکم نشده و نخواهد شد و در پی آن، درباره موضوع عفاف و حجاب نیز، که در ذیل آن بحث منزلت زن یک بحث جدی و کلیدی است، راه‌حل اساسی نخواهد یافت. فرضیه تحقیق حاضر این است که با بازسازی، بلکه تحول، الگوی پیشرفت می‌توان بین ارزش‌های مطلوب جامعه و فرهنگ عمومی مردم با ساختارهای کنترل عینی هماهنگی برقرار نمود. از این طریق، به «منزلت زن در نظام اسلامی» سامان بهتری داد و در پی آن، موضوع «عفاف» و «حجاب» را بازسازی نمود و ارتقا بخشید.



لازم می‌دانم از حمایت پژوهشکده مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، وابسته به دانشگاه شاهد، مؤسسه آموزش و تحقیقات وزارت علوم، معاون فرهنگی وزارت علوم، و نیز معاونت اجتماعی وزارت کشور تشکر نمایم. همچنین، از همکاری مؤثر و مستمر سرکار خانم شیده صادقی کمال امتنان را دارم. قطعاً بدون مشارکت با انگیزه و عالمانه ایشان اثر حاضر خلق نمی‌شد. و بالأخره، از حسن نظارت دکتر زاهد زاهدانی، که خود از محققان جامعه‌شناسی اسلامی هستند و از دیرزمان این‌گونه دغدغه‌ها را دنبال نموده‌اند، تشکر می‌نمایم.

علی‌رضا پیروزمند

فروردین ۱۴۰۲